

تبیین میزان رابطه فردگرایی افراطی با همبستگی اجتماعی در شهروندان تهرانی

محیا شعبی^۱

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۶

چکیده

فردگرایی مفهومی است که در مقابل جمع‌گرایی جامعه سنتی قرار می‌گیرد. جامعه فردگرا عدم هم‌نوایی با جمع را ارزش تلقی می‌کند و بر شکوفایی فردی و بازاندیشی در سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی تأکید می‌کند؛ همچنین طبق آنچه عموماً در جامعه‌شناسی از مفهوم همبستگی اجتماعی مستفاد می‌شود، این مفهوم به درجه یا نوع هم‌گرایی یک جامعه و در واقع، به پیوندها و روابطی که اعضای یک جامعه یا گروه را به یکدیگر مرتبط می‌سازند، اشاره دارد؛ لذا با توجه به این مفاهیم هدف تحقیق حاضر تبیین میزان رابطه شکل‌گیری فردگرایی افراطی با همبستگی اجتماعی در شهروندان تهرانی است. جامعه آماری این پژوهش شامل شهروندان ۶۵-۱۸ ساله تهران می‌باشد. که تعدادشان بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۵۸۷۶۶۵۹ نفر می‌باشد که در میان مناطق شهر تهران با توجه به حجم نمونه که حداقل ۳۸۴ نفر می‌بایست باشد ۴۰۰ نفر در مجموع و هر منطقه تعداد ۸۰ پرسشنامه با روش نمونه‌گیری تصادفی پُر شد. نتایج تحقیق نشان‌دهنده این مطلب است که بین دو متغیر فردگرایی افراطی و همبستگی اجتماعی همبستگی نسبتاً ضعیفی وجود دارد و جهت رابطه نیز منفی و معکوس است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که متغیر مستقل فردگرایی افراطی قادر به تبیین ۱/۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته همبستگی اجتماعی است.

واژگان کلیدی: فردگرایی افراطی، مشارکت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، شهروندان تهران.

مقدمه

فردگرایی اصطلاحی است که در قرن نوزدهم ابداع گردید. از آن زمان تاکنون این اصطلاح به شیوه‌هایی بسیار متفاوت ارزیابی گردیده است. فردگرایی هنگامی که با رهایی از اجبارهای اجتماعی و شرایط ستمگرایانه در ارتباط است، امری مثبت، و هنگامی که از جهت جدایی از دیگران و نبود احساس تعهد متقابل به آن نگریسته می‌شود یعنی به معنای سعی در تحقق منافع فردی از طریق بی‌توجهی به منافع جمعی، به‌عنوان یک شاخص منفی مورد توجه قرار می‌گیرد (قادری و القونه، ۱۳۹۶: ۲). فردگرایی امری بسیار مهم در مدرنیته به‌شمار می‌آید. امری که از دوران رنسانس به بعد همواره درباره اهمیت فلسفی آن بحث شد و سرانجام اقتصاد سیاسی کلاسیک اعتبارش را قطعی ساخت. این مفهوم از خلال مبانی‌ای چون «اصالت انسان» یا «اومانیزم» که در قرون جدید شکل گرفته، به‌وجود آمده است. بر اساس چنین مفهومی، خدمت به انسان، یگانه هدف مورد نظر برای تمام مقاصد عالی بشر است (احمدی، ۱۳۷۷: ۴۲).

باید توجه داشت که قرائت‌های مختلفی از اندیویدوالیسم (فردگرایی) وجود دارد: از اندیویدوالیسم آلمانی و فرانسوی تا اندیویدوالیسم انگلیسی و آمریکایی، از اندیویدوالیسم انحصارگرا تا اندیویدوالیسم گسترش‌خواه، از فردگرایی متودولوژیک و اپیستمولوژیک تا فردگرایی ذره‌ای و ملکی. اما در همه آن‌ها فرد نقش محوری دارد. لوکز، ۱۱ معنی برای فردگرایی تشخیص داده است مانند احترام به ارزش انسانی، استقلال و آزادی عمل، حرمت امور شخصی، خودشکوفایی... (جهانیان، ۱۳۷۸: ۲۹).

در ارتباط با جامعه ما می‌توان گفت: «ایران جامعه‌ای در حال گذار از سنتی به صنعتی است. در چنین جامعه‌ای فروپاشی ساختارهای سنتی نظیر اجتماعات عشایری، روستایی و گسترش شهرنشینی که ناشی از رشد سریع جمعیت و مهاجرت از روستاها به شهرها می‌باشد، گسترش تحرکات اجتماعی و تعاملات بین فرهنگ‌ها و اقوام متفاوت را تشدید نموده است و مردم به‌ویژه جوانان را در برابر الگوهای محلی، ملی و جهانی متفاوت و بعضاً متعارض قرار داده و به‌دنبال آن در خصایص افراد تغییراتی ایجاد شده که یکی از آن‌ها، پشت سر گذاردن خصوصیات سنتی و تحقق فردگرایی افراد می‌باشد. در جریان فردگرایی، استقلال فردی و مسئولیت‌پذیری افزایش یافته و در جهت تأمین منافع فردی و جمعی به‌صورت خلاق و سازنده حرکت می‌نماید» (فاضلی، ۱۳۸۳: ۳۴).

فردگرایی جنبه‌ای گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فلسفی و الهیاتی دارد. معنای جامع این واژه در فرهنگ اقتصادی نئوپالگریو چنین آمده است: «فردگرایی، آن نظریه اجتماعی یا ایدئولوژی اجتماعی است که ارزش اخلاقی بالاتری را به فرد در قبال اجتماع یا جامعه اختصاص می‌دهد و در نتیجه، فردگرایی، نظریه‌ای است که از آزاد گذاردن افراد حمایت می‌کند به نحوی که به هر آنچه آن را به نفع شخصی خودشان می‌دانند عمل کنند» (جهانیان، ۱۳۷۸: ۴۰).

تبیین میزان رابطه فردگرایی افراطی با همبستگی اجتماعی در شهروندان تهرانی

فردگرایی ضمن داشتن اثرات مثبت، آثار منفی هم با خود به همراه دارد تا جایی که برخی به دو وجه فردگرایی توجه کرده‌اند. فردگرایی منفی می‌تواند آسیب‌های زیادی را هم در خانواده و هم در جامعه به همراه داشته باشد. به‌عنوان مثال در حوزه خانواده موجب تضعیف نهاد خانواده گردد، فرزندان اهمیت کمتری به نظرات والدین قائل شوند، ارزش‌های جدیدی شکل بگیرد، صورت‌های گذران اوقات فراغت به منصفه ظهور برسد که در برخی از موارد در تعارض با ملاحظات خانوادگی باشد (معیدفرو و صبوری، ۱۳۸۹: ۹۴). فردگرایی مفهومی مدرن است که در مقابل جمع‌گرایی جامعه سنتی قرار می‌گیرد. جامعه جمع‌گرا بر هم‌نوایی فرد با گروه تأکید می‌کند و رفتار مورد انتظار از فرد را انعکاس هنجارهای گروه می‌داند. در مقابل، جامعه فردگرا عدم هم‌نوایی با جمع را ارزش تلقی می‌کند و بر شکوفایی فردی و بازاندیشی در سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی تأکید می‌کند (احمدی، ۱۳۸۷: ۹۳).

در جوامع فردگرا «من» (به‌جای «ما» در جوامع جمع‌گرا) هدایت‌کننده رفتار افراد است (سیواداس و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۰۱). این در حالی است که اساس هر نظم اجتماعی را عاطفه و تعهد به اهداف جمع تشکیل می‌دهد که این امر ریشه در وابستگی و ارتباط عاطفی با جمع دارد، اما پدیده‌ای مانند فردگرایی و بی‌تفاوتی اجتماعی بیانگر بی‌احساسی، بدبینی و بی‌میلی است؛ همان‌طور که در نقطه مقابل آن، جمع‌گرایی بیانگر اعتنای اجتماعی و نوع‌دوستی در حیات فردی و اجتماعی و همچنین نشانه پویایی و سلامت اجتماعی است (محسنی تیریزی و صداقتی‌فرد، ۱۳۹۰: ۲).

بنابراین، مسأله بودن فردگرایی در جامعه از آنجا ناشی می‌شود که فردگرایی عامل انزوا، خودشیفتگی و خودخواهی است که اساساً محل نظم و توسعه اجتماعی است (رضایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۹). در نتیجه فردگرایی، رابطه‌ای اجتماعی بسیار شکننده و ناپایدار شده و این شکنندگی و ناپایداری که خود در نتیجه فاصله گرفتن و دور شدن تدریجی کنشگران (یا اعضای) جامعه از یکدیگر پدید آمده، از میزان همگرایی و اعتماد متقابل میان آنان به‌شدت می‌کاهد. علاوه بر آن، فروپاشی نهاد خانواده، کاهش میزان همبستگی اجتماعی در شهرها، ناهنجاری‌های رفتاری جوانان و نوجوانان، ناامنی در مدارس و ... نتیجه تبدیل انسان جمع‌گرای جامعه کشاورزی با انسان فردگرای جامعه صنعتی است (اجتهادی، ۱۳۸۶: ۹).

از نظر دورکیم^۱، اجتماعی‌شدن موضوعی بسیار اساسی و حیاتی در حفظ نظم و همبستگی اجتماعی است. بر اساس این دیدگاه، جریان اساسی‌تری که هماهنگی و تداوم جامعه بر آن استوار است، اجتماعی‌شدن است. یعنی این‌که اجتماع بتواند از سازوکارها و شیوه‌هایی استفاده کند تا بر اساس آن، هرکس در جامعه تکالیفی را انجام دهد تا کل نظام بر اساس آن تکالیف برقرار بماند و تداوم پیدا کند و افراد آن‌ها را به دلخواه خودشان به‌عنوان تکلیف اخلاقی عمل کنند (دورکیم، ۱۹۷۳: ۱۲۳).

مفهوم همبستگی دورکیم، تصویری از جامعه ارائه می‌کند که در آن، گروه‌ها و افراد به‌هم پیوسته‌اند و به‌طور منظم و الگوبندی شده و کمابیش پیش‌بینی‌پذیر، کنش متقابل دارند (علاقه‌بند، ۱۳۷۰: ۱۳۸).

1- Durkheim

برای روشن شدن این مفهوم می‌توان از مفهوم تقریباً متضاد آن، یعنی مفهوم «آنومی»^۱ استفاده کرد. آنومی وضعیتی است که در آن، قواعد اجتماعی برای کنشگران الزام‌آور نیست و مطلوبیتی ندارند. به عبارت دیگر، آنومی به هم‌ریختگی یا آشفتگی «وجدان جمعی»^۲ یا مشترک است و چون آنومی امری مربوط به وجدان جمعی است، جامعه و فرد هم‌زمان از آن رنج می‌برند. این رنج بردن حاکی از آن است که آنومی نه تنها وجدان جمعی که وجدان فردی را نیز متأثر می‌سازد. از این رو، آنومی پدیده‌ای در آن واحد جمعی و فردی است. مطابق با نظر دورکیم، انواع همبستگی اجتماعی با انواع جامعه ارتباط دارد. در جوامع ساده، همبستگی معمولاً بر پایه‌های خویشاوندی، ارتباطات مکانیکی یا فامیلی استوار است، ولی در جوامع پیچیده‌تر، همبستگی بیشتر ارگانیکی است. واژه‌ی ارگانیکی در این‌جا به وابستگی متقابل اجزای تشکیل‌دهنده اشاره دارد. این‌گونه همبستگی فرآورده‌ی تقسیم کار است. هرچه کارکردهای جامعه بیشتر پرورش یابند، تفاوت میان اعضای آن نیز فزون‌تر خواهد شد (گرب، ۱۳۷۳: ۱۰۰) و همین تفاوت‌ها مبنای همبستگی جدید خواهند بود.

بر این اساس، همبستگی‌ها در جوامع یا زاده‌ی تشابه‌اند یا زاده‌ی تفاوت. در جوامع ساده و ابتدایی، این همانندی‌های زندگی اقتصادی و نظام اعتقادی است که افرادی شبیه به هم را به وجود می‌آورند؛ به همین دلیل افراد در اکثر خصوصیات زندگی مشابه هم هستند و تفاوت قابل ملاحظه‌ای با یکدیگر ندارند. این همانندی‌ها و شباهت‌های افراد این نوع جوامع را پایدار و استوار نگه می‌دارد. اما در جوامع پیچیده وضعیت کاملاً متفاوت است. در این جوامع همبستگی اجتماعی از تفاوت‌ها ناشی می‌شود. بدین معنا که با افزایش جمعیت و لزوم تقسیم کار، مشاغل و حرفه‌های جدیدی در جامعه به وجود می‌آیند که کاملاً تخصصی هستند. افراد هر کدام به حرفه و کاری‌اند و نمی‌توانند نیازهای خود را به تنهایی تأمین کنند. آن‌ها برای ادامه‌ی حیات به یکدیگر وابسته‌اند و می‌باید با یکدیگر همکاری کنند. این وابستگی متقابل، از نوع اقتصادی است. در این‌جا افراد، دیگر به لحاظ زندگی اقتصادی و نظام اعتقادی با یکدیگر تشابه زیادی ندارند، بلکه با یکدیگر متفاوت نیز هستند ولی چون به یکدیگر نیاز دارند، به یکدیگر نیز وابسته هستند. به عقیده‌ی گرب، ایده‌ی اصلی دورکیم در کتاب «تقسیم کار در جامعه» و هوشمندانه‌ترین ابتکار تحلیلی وی این بود که تقسیم کار، عامل اصلی تضعیف همبستگی مکانیکی قدیمی و ابزاری اصلی برای پیدایش همبستگی جدید است (همان: ۱۰۲).

از دیدگاه دورکیم، اعضای جوامع پیچیده و تمایز یافته به اعمال جمعی و مشترک کمتر وابسته‌اند؛ ضمن آن که ممکن است به وظایف و نقش‌های تخصصی و تمایز یافته‌ای که شاخص نظام‌های همبستگی ارگانیکی‌اند، به شدت وابسته باشند. اگرچه عناصر فردی چنین نظامی اشتراک کمتری دارند، اما از آن‌هایی که با همبستگی مکانیکی زندگی می‌کنند، وابستگی متقابل بیشتری دارند. درست است که

1- Anomie

2- Collective conscience

تبیین میزان رابطه فردگرایی افراطی با همبستگی اجتماعی در شهروندان تهرانی

در چنین نظامی می‌توان از نظارت‌های خارجی فردی خلاص شد، اما این خلاصی با درجه‌ی بالای وابستگی متقابل اعضای جامعه نه‌تنها منافاتی ندارد، بلکه با آن هماهنگ است (موریش، ۱۳۷۳: ۲۶۵).

دورکیم در ادامه می‌گوید: این مقوله همبستگی اجتماعی است که سبب می‌شود، جامعه قوام داشته باشد و دچار بی‌نظمی و نابه‌سامانی نشود. جامعه قدیم دارای همبستگی اجتماعی بالا است زیرا در این نوع جامعه افراد دارای اخلاقیات مشترک بودند که سبب می‌شد آن‌ها بسیار شبیه به هم باشند. این اخلاقیات مشترک، ناشی از اعتقاد افراد جامعه به مذهب بود. می‌توان گفت وفاق ناشی از توافق افراد جامعه بر سر ارزش‌ها و قواعد اخلاقی و پذیرش آن‌ها از سوی اکثریت افراد جامعه باعث می‌شد که همبستگی اجتماعی در این نوع جوامع بالا باشد. در چنین جامعه‌ای افراد خاطی از این اخلاقیات مشترک به‌شدت مجازات می‌شوند. از این رو افراد به‌ندرت تمایل به زیر پا گذاشتن قواعد و هنجارها داشتند (ریتزر، همان). اما در جامعه‌ی جدید مشکل اساسی این است که هیچ‌گونه نظام اخلاقی مشترک و قوی وجود ندارد، مذهب در زندگی افراد رنگ باخته و فردگرایی روبه‌فزونی گذاشته است. او بسیاری از مشکلات اجتماعی را ناشی از ضعف این نظام مشترک اخلاقی در جامعه‌ی جدید می‌دانست. بنابراین؛ یک سؤال مطرح می‌شود و آن این‌که آیا جامعه جدید به‌علت فقدان نظام مشترک اخلاقی (یا وفاق - اجتماعی) محکوم به فناست؟ پاسخ دورکیم منفی است زیرا به نظر او درست است که دیگر داشتن همبستگی اجتماعی ناشی از اعتقاد کلیه افراد جامعه به یک نظام اخلاقی مشترک امکان‌پذیر نیست اما نوعی همبستگی اجتماعی متفاوت در جامعه جدید در حال ظهور است که نه ناشی از شباهت افراد و اعتقاد به یک نظام اخلاقی مشترک، بلکه ناشی از تفاوت افراد و اعتقاد به مجموعه‌ای از اخلاقیات صنفی و حرفه‌ای غیرمشترک است. در چنین جامعه‌ای آنچه زمینه‌ساز وفاق و همبستگی اجتماعی است، تقسیم کار اجتماعی و نیاز متقابل افراد به یکدیگر است. این نیاز متقابل افراد به تخصص‌های گوناگون سبب می‌شود که افراد و گروه‌ها برای قواعد و ارزش‌های اخلاقی سایر افراد و گروه‌های اجتماعی احترام قائل شوند و همین امر زمینه‌ساز همبستگی اجتماعی جدید در جوامع جدید است. لذا بر طبق دیدگاه او همبستگی اجتماعی در جوامع جدید حتی برتر از همبستگی اجتماعی در جوامع گذشته است زیرا در جوامع جدید نیاز متقابل افراد و گروه‌ها به تخصص باعث می‌شود که هیچ فردی نتواند حتی اگر بخواهد به‌تنهایی زندگی کند حال آن‌که در جامعه‌های گذشته همه افراد شبیه هم هستند یعنی دارای کلیه‌ی مهارت‌ها و تخصص‌هایی هستند که دیگری دارد و اگر می‌خواهند با سهولت بیشتری می‌توانند بدون نیاز دیگران، احتیاجات زندگی خود را برطرف کنند. از این‌جاست که دورکیم همبستگی جوامع قدیم را همبستگی مکانیکی و همبستگی جوامع جدید را ارگانیکی می‌خواند (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۸۰).

از نظر دورکیم، انسجام اجتماعی مؤلفه اصلی عمل و رفتار اجتماعی است و اساس آنرا اخلاقیات یا مقررات اخلاقی تشکیل می‌دهد، که به عقیده وی عبارتست از مجموعه‌ای از قواعد و هنجارهایی که کردار انسان را راهنمایی و مهار می‌کند. وجود این رهنمودها بدین معنی است که افراد مطابق با تعهدات

خود به دیگران و به‌طور کلی به جامعه، به کنش متقابل دست می‌زنند. از این رهگذر افراد از حقوق و میزان مشارکت خود در ایجاد همبستگی اجتماعی شناخت پیدا می‌کنند. بنابراین اخلاقیات برای ایجاد همبستگی میان مردم بسیار ضروری هستند. بدون اخلاقیات، جامعه نمی‌تواند به بقای خود ادامه بدهد (گروپ، ۱۳۷۳: ۹۹-۱۰۰ به نقل از کوهستانی).

ترنر معتقد است که دورکیم تشخیص داد که انسجام اجتماعی در جوامع ارگانیک بستگی به توسعه روابط متقابل در میان واحدهای اجتماعی از طریق هنجارهای مادی دارد. از منظر کارکردگرایی و دورکیم اجتماعی‌شدن موضوعی بسیار اساسی و حیاتی در حفظ نظم و انسجام اجتماعی است. یعنی این‌که اجتماع بتواند از سازوکارها و شیوه‌هایی استفاده کند تا بر اساس آن هر کس در جامعه تکالیفی را انجام دهد تا کل نظام بر اساس آن تکالیف برقرار بماند و تداوم پیدا کند و افراد آن‌ها را به دلخواه خودشان به‌عنوان تکلیف اخلاقی عمل کنند (دورکیم به نقل از کوهستانی، ۱۳۷۶: ۴۶).

همچنین دورکیم در پی مطالعه همبستگی اجتماعی مشهورترین کار خود یعنی خودکشی را به انجام رساند. دورکیم خودکشی را بر حسب دو متغیر یکپارچگی و هنجار تعیین کرد. همچنین دورکیم در صور بنیانی حیات دینی با نشان‌دادن اهمیت نمادها و سمبل‌ها به شرح خود از تعامل به‌عنوان منشأ همبستگی و یکپارچگی تمنای بیشتری می‌دهد. بدین ترتیب آیین‌های دینی با تقویت باورهای جمعی و اخلاقیات باعث همبستگی جامعه می‌شود، کارکرد دین در جامعه یکپارچه کردن و انسجام آن است (استونز، ۱۹۷۵: ۸۴).

دورکیم در کتاب تقسیم کار علت آنومی را صنعتی‌شدن سریع می‌داند، ولی در کتاب خودکشی علت آنومی را به درون انسان‌ها مرتبط می‌سازد و انسان‌ها را سیری‌ناپذیر می‌داند و معتقد به این است که در آن‌ها میل به لایتناهی وجود دارد. وی در دیگر آثار خود از جمله مقاله دوگانگی طبیعت بشری و شرایط اجتماعی و همچنین کتاب فلسفه و جامعه‌شناسی، آنومی را ناشی از فزون‌طلبی و منفعت‌طلبی و فردگرایی می‌داند (کوثری، ۱۳۸۰) وی بین دو نوع فردگرایی تفاوت قائل است: یکی فردگرایی افراطی مذموم که حاصل گسستن فرد از پیوندهای اجتماعی و ناشی از خودخواهی است و دوم فردگرایی ناشی از تقسیم کار که آن را کیش فرد می‌داند و مذموم می‌شمارد (دورکیم، ۱۳۷۸: ۴۱۱) وی فردگرایی افراطی مذموم را ترجیح منافع فردی و گروهی بر جمعی می‌داند و چنان‌که در تقسیم‌کار عنوان می‌کند، فردگرایی اخلاقی را نوعی کیش و ایمان مشترک برای جامعه مدرن و پدیده‌ای جمعی و مبنای اخلاق و همبستگی در جوامع جدید می‌داند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۳۴).

روح کلی این نظریه که در ارتباط با تحقیق حاضر است این است که تمایلات و احساسات عامل ارتباط است. اگر مردم بیشتر بر اساس عاطفه و احساسات و ارزش‌ها با هم ارتباط برقرار کنند، تعلق اجتماعی آن‌ها بیشتر می‌شود. هرچه منفعت‌طلبی بیشتر باشد تعلق اجتماعی کاهش می‌یابد.

تبیین میزان رابطه فردگرایی افراطی با همبستگی اجتماعی در شهروندان تهرانی

دید پارسونز درباره فردگرایی همان است که فرد در انتخاب متغیرهای الگویی ممکن است کنش خود را به سمت آن جهت دهد و به جای منافع جمعی، منافع فردی را برگزیند. منافع فرد در تقابل با منافع جامعه در نظر گرفته می‌شود. مارکس، مفهوم آزمندی و خودخواهی را که توسط نظام سرمایه‌داری ایجاد شده مطرح می‌کند و اینکه باعث می‌شود نظام از تأکید بر مسئولیت مشترک جمعی به سوی فردگرایی پیوسته حرکت کند و بیشتر، آن را در بحث اختلاف منافع طبقاتی مورد بحث قرار داده است (کرایب، ۱۳۷۶: ۳۷۶). وبر آن را مربوط به کنش‌های عقلانی بسیار هدفمند و نتیجه کنش ابزاری یا همان عقلانیت صوری می‌داند که موجب کاهش وابستگی جمعی می‌شد. در نظریه تبادل هومنز اساس کنش افراد را نفع و سود شخصی تشکیل می‌داد نقطه‌ی مقابل فردگرایی، دگرخواهی است (بیدل، ۱۳۹۱: ۴۱).

قادری و القونه (۱۳۹۶) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی فردگرایی خودخواهانه و عوامل مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه شیراز (با تأکید بر طبقه آن‌ها)» بیان داشتند که گرایش انسان به رفع نیازها و تحقق منافع و مصالح شخصی و خصوصی، بدون لحاظ کردن دیگران به‌عنوان خودمداری و تکروی یا خودمحوری اطلاق می‌شود. فردگرایی خودخواهانه نوعی از فردگرایی است که در آن نفع شخصی اولویت تام داشته و افراد صرفاً به دنبال تأمین منافع خویش هستند. هدف این تحقیق، بررسی میزان فردگرایی خودخواهانه در بین طبقات مختلف و عوامل مرتبط با آن بوده است. برای بررسی این موضوع دانشجویان دانشگاه شیراز به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شدند. این پژوهش با نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده و با استفاده از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه با یک نمونه ۳۸۷ نفری انجام شده است. متغیرهای مستقل این تحقیق از نظریه‌های دورکیم، پاتنام، بوردیو و ترکیبی از نظریه‌های هابرماس وبر و ویلن گرفته شد. از نظریه دورکیم متغیر دینداری، از نظریه پاتنام متغیر سرمایه اجتماعی، از نظریه بوردیو متغیر سرمایه فرهنگی نهادینه شده خانواده و در نهایت از ترکیب نظریه‌های هابرماس، وبر و ویلن متغیر طبقه گرفته شد. رابطه بین متغیر دینداری و فردگرایی خودخواهانه معنادار و معکوس بود و این فرضیه تأیید شد. اما بین سه متغیر سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی نهادینه شده خانواده، طبقه و فردگرایی خودخواهانه رابطه معناداری وجود نداشت و این سه فرضیه رد شدند. یافته‌ها در مورد متغیرهای زمینه‌ای به این گونه بود که رابطه معناداری بین جنس و فردگرایی خودخواهانه وجود نداشت، اما بین سن افراد و میزان فردگرایی خودخواهانه رابطه معنادار و مثبتی وجود داشت.

گلایی و اخشی (۱۳۹۴) در تحقیقی تحت عنوان «مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی» بیان داشتند که در این پژوهش به بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی پرداخته شده است. روش پژوهش از نوع پیمایش و جامعه آماری آن کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ بودند که تعداد آن‌ها برابر با ۱۰۲۲۳ نفر بوده است. نتایج تحقیق نشان داد که میزان نشاط اجتماعی در حد متوسط به بالا و میزان مشارکت اجتماعی در حد متوسط به پایین است. در ابعاد

مشارکت اجتماعی روحیه مشارکتی و در ابعاد نشاط اجتماعی بعد رضایت از خود بیشترین میانگین را در بین دانشجویان به خود اختصاص داده است. میزان نشاط اجتماعی با مشارکت اجتماعی و ابعاد سه‌گانه آن دارای همبستگی مستقیم معنی‌دار بود؛ ولی مشارکت و نشاط اجتماعی بر اساس جنس، وضعیت تأهل دانشجویان معنی‌دار نبودند. دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و پزشکی با نشاط‌تر بوده و دانشجویان فنی در بین دانشجویان مورد مطالعه از کمترین میزان نشاط برخوردار بودند. در نهایت، تحلیل رگرسیون نشان داد که ۱۷ درصد از تغییرات متغیر نشاط اجتماعی از روی ابعاد سه‌گانه مشارکت اجتماعی قابل تبیین است. همچنین، وجود روحیه مشارکتی بیشترین تأثیر را در میزان نشاط اجتماعی دانشجویان دارا بوده است.

عبداله‌زاده، تقوی و علیزاده اقدم (۱۳۹۱) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز» به تعیین عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز پرداختند. سؤال اصلی این تحقیق این بوده است که: عمده‌ترین عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز کدام‌ها هستند؟ جامعه آماری تحقیق حاضر دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز بودند که ۲۵۶۱۱ نفر اعلام شده است. از این تعداد ۳۸۶ نفر با استفاده از فرمول کوکران و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند، که عبارتند از ۱۹۵ نفر مرد و ۱۸۹ نفر زن با میانگین سنی ۲۳ سال که ۶۷ نفر متأهل و ۳۱۹ نفر مجرد بودند. یافته‌ها نشان داد بین هویت اجتماعی، رضایت از خدمات دانشگاهی، با مشارکت اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد و میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان براساس جنسیت آنان متفاوت است و مشارکت اجتماعی دانشجویان پسر بیشتر از دختر است.

جهان و محمود (۲۰۱۳) در تحقیقی که با عنوان «همبستگی اجتماعی در جوامع چندفرهنگی در کشور بنگلادش انجام داده تأکید کرد با توجه به گسترش سریع شهرنشینی و جهانی‌شدن، زندگی اجتماعی شهری بسیار پیچیده شده است. سوئد با اقامت ۱۸۰ ملیت یکی از برجسته‌ترین شهرهای اروپایی از لحاظ تنوع فرهنگی است و لذا یکی از مهم‌ترین اهداف دولت سوئد دستیابی به توسعه پایدار است. وجود این تنوع فرهنگی جامعه سوئد را با این چالش کشانده که چگونه می‌توان به توسعه اجتماعی و اقتصادی دست یافت. نتایجی که با توجه به پرسشنامه و نظریات انسجام اجتماعی و نظرسنجی از دوازده مصاحبه به‌دست آمد نشان داد که جامعه بنگلادش دارای یک حس ضعیف تعلق و کمبود هویت مشترک و جمعی را داراست در عوض افراد بومی نسبت به مهاجرین آن‌جا حسشان قوی‌تر بود. در انتها نویسندگان نتیجه گرفتند که اگرچه همبستگی اجتماعی بین مهاجران کم می‌باشد ولی تهدیدهای عدم همبستگی اجتماعی مانند منازعات نژادی وجود ندارد لذا می‌توان با اقدامات مناسب زمینه افزایش انسجام در جامعه سوئد را ایجاد کرد.

تبیین میزان رابطه فردگرایی افراطی با همبستگی اجتماعی در شهروندان تهرانی

ایوان استاورن (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «تنوع، جامعیت و همبستگی اجتماعی» با هدف بررسی نقش تنوع (قومی، زبانی و مذهبی) و نابرابری اجتماعی در تعیین انسجام اجتماعی به مطالعه می‌پردازد. با استفاده از داده‌های بین‌کشوری، دریافته‌اند که نابرابری‌های اجتماعی ممکن است عامل مهم‌تر از تنوع در تعیین انسجام جامعه باشد. تجزیه و تحلیلشان نشان می‌دهد که جوامع فراگیر ممکن است از تنوع برای انسجام اجتماعی به‌عنوان راه‌حل بهتری استفاده کنند. با کاهش نابرابری‌های اجتماعی، جوامع ممکن است اثرات منفی تنوع برای انسجام اجتماعی را کاهش دهد.

بوترمان و دیگران (۲۰۱۲) با «تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از منطقه‌ای در شمال بلژیک» که از ۳۰۸ جامعه‌ی محلی تشکیل شده است، بر این عقیده‌اند که نظم و انسجام در صورتی که بر یک توافق اصولی در میان مردم تکیه کنند باثبات و پایدار خواهند بود. به باور آن‌ها، جوامعی که دارای شکاف‌های اجتماعی - اقتصادی بالاتری‌اند، از انسجام اجتماعی پایین‌تری برخوردار هستند. در مقابل، در جوامعی که از لحاظ ساختاری و فرهنگی دارای سرمایه‌های اجتماعی بیشتری هستند، همکاری‌های اجتماعی با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد (رضادوست، ۱۳۹۴: ۱۱۵).

ورگالنی (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «انسجام اجتماعی در اروپا» به بررسی رابطه بین انسجام - اجتماعی و نابرابری‌های اجتماعی در اروپا پرداخته است. از نظر وی نابرابری در سطحی کلی بر انسجام - اجتماعی تأثیرگذار است، به‌طور دقیق‌تر، رابطه معناداری بین دو فرضیه اصلی تحقیق، نابرابری اقتصادی و انسجام اجتماعی وجود دارد. همچنین این رابطه تحت تأثیر جنبه‌های دیگری از نابرابری‌های اجتماعی از قبیل موقعیت افراد در نظام قشربندی و سطح آموزش و پرورش آن‌هاست.

یارمحمد توسکی (۱۳۹۴) در پژوهشی که تحت عنوان «بررسی وضعیت همبستگی اجتماعی در توسعه شهری اراک» انجام داد بیان کرد وضعیت همبستگی اجتماعی عاملی نقش‌آفرین در فرآیند توسعه، در کشورهای درحال توسعه و یا مشخص‌تر خاورمیانه‌ای هم‌چون ایران، تلقی شده است. در ایران طی ۸۰ سال نرخ شهرنشینی نزدیک به سه برابر شده است. نتیجه‌ی ابتدایی این روند رشد، نشانگر حرکتی ناموزون، تقلیدی و بدون بسترسازی‌های مناسب فرهنگی - اجتماعی بوده است. این روند در شهر اراک طی ۳۰ سال ادامه داشته است. در این مطالعه تلاش شده است تا زمینه‌ها و موانع همبستگی - اجتماعی در شهر اراک به‌عنوان یک شهر صنعتی که فرایندی چند بعدی را در مسیر توسعه شهری پیموده است، مطالعه شود. بدین سبب با رویکردی تاریخی - تطبیقی و بر اساس تحقیقات و اطلاعات پژوهشی از قبل انجام شده، در رابطه با موضوع، از روش فراتحلیل از دسته روش‌های کیفی با استناد به مدارک و یافته‌های پژوهشی موجود بهره گرفته شده است. اهداف مطالعاتی تحقیق، بر پایه‌ی تحلیل وضع موجود در رابطه با شاخص‌های همبستگی اجتماعی شهر اراک طراحی گردیده است. در نهایت با توجه به فقدان همبستگی اجتماعی مطلوب، فرایند توسعه شهری اراک، روندی متوازن و متعادل نداشته است و محقق راهکارهایی را مبتنی بر چارچوب نظری و یافته‌های تحقیق جهت تقویت همبستگی -

اجتماعی شهری در اراک ارائه کرده است. رضادوست (۱۳۹۴) در پژوهش تحت عنوان «عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر وفاق اجتماعی» به بررسی عوامل مؤثر بر وفاق اجتماعی در شهر دهدشت پرداخته است. جامعه‌ی آماری افراد ۱۵ سال و بالاتر، حجم نمونه ۳۸۲ نفر، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، نوع تحقیق پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داده است که مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی خاص، اعتماد اجتماعی عام و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با متغیر وابسته رابطه‌ی مستقیم و معنی‌داری دارند. همچنین، احساس انومی، تقدیرگرایی و احساس محرومیت نسبی رابطه‌ی معکوس و معنی‌داری با وفاق اجتماعی دارند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نیز نشان داده است که متغیرهای وارد شده در تحقیق ۳۷ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند که در این میان مشارکت اجتماعی بیشترین سهم را در تبیین واریانس وفاق اجتماعی دارد.

علایی و بشیری‌گیوی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر همبستگی اجتماعی دانشجویان پیام نور مرکز اردبیل» بیان می‌کند خصلت ویژه همبستگی اجتماعی ماهیت گروهی آن است. که همبستگی، عامل تضمین‌کننده‌ی وحدت آن‌هاست. به همین دلیل، تغییر صور همبستگی تابع انواع اجتماع است. نوع همبستگی را در شرایط متفاوت، متغیرهای بیرونی تعیین می‌کنند. در این تحقیق شبکه‌های اجتماعی مجازی مورد تحقیق قرار می‌گیرد. این پژوهش با بهره‌گیری از روش اسنادی و پیمایشی انجام شد. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل دانشجویان پیام نور اردبیل است که با استعلامی که از دانشگاه به عمل آمد شامل ۱۵۰۰۰ نفر می‌باشند. برای به‌دست آوردن حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده کردیم. بر این اساس و با توجه به اینکه جامعه آماری ۱۵۰۰۰ نفر است، حجم نمونه ۲۵۰ نفر را شامل می‌شد. واحد تحلیل در این تحقیق فرد می‌باشد. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای طبقه‌ای با حجم نامتناسب استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که تفاوت همبستگی اجتماعی دانشجویان که از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند معنی‌دار می‌باشد در این فرضیه $t = -2/003$ می‌باشد. در فرضیه تبادل اطلاعات بدون سانسور با همبستگی $0/279$ تأیید شد. در فرضیه میزان استفاده کاربران از شبکه‌های اجتماعی با همبستگی $0/306$ تأیید شد. در فرضیه تعاملات فرهنگی با همبستگی $0/322$ تأیید شد. در فرضیه دو گروه استفاده‌کنندگان از شبکه‌های اجتماعی بین همبستگی اجتماعی آن‌ها هیچ تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. در فرضیه تعاملات با شخصیت‌های فرهنگی و اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود نداشت. در فرضیه تعاملات داخل و خارج کشور دانشجویان تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد.

حاجیانی (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «مؤلفه‌های هم‌گرایی افراد ایرانی و راهبردهای ارتقاء آن» به بررسی میزان همبستگی در میان این قوم در جامعه ایران می‌پردازد و بیان می‌کند که بر طبق نظر سازمان ملل متحده و مؤسسه توسعه اجتماعی، همبستگی ملی و انسجام اجتماعی شاخص یا مفهوم

تبیین میزان رابطه فردگرایی افراطی با همبستگی اجتماعی در شهروندان تهرانی

جوهر و ذاتی توسعه اجتماعی به‌شمار می‌رود و در بررسی همبستگی ملی به‌عنوان عاملی در توسعه بیان می‌کند رضایت از زندگی و اعتماد اجتماعی به‌عنوان اصلی‌ترین متغیرهای مستقل تعیین‌کننده نسبت به میزان احساس همبستگی ملی می‌باشد و بیان می‌کند افراد ایرانی در موقعیت واگرایی قرار گرفته‌اند که از یک طرف دسترسی به امتیازات اجتماعی و رفاه اقتصادی را دشوار نموده و از طرف دیگر سیاست‌های نادرست قومی، ارتباطات میان فرهنگی و مصرف رسانه‌ای شدت و نوع مطالبات و اهداف ایشان را دگرگون کرده است و معتقد است باید سیاست‌گذاری‌هایی برای ارتقای همبستگی ملی افراد ایرانی صورت گیرد.

قاسمی (۱۳۹۲) در پژوهشی در پی «تبیین پدیده‌ی وفاق اجتماعی در شهر بوشهر» بوده است. مبانی نظری این تحقیق بر سطح خرد تأکید دارد یعنی تبلور جامعه‌پذیری در عواملی همچون پایگاه اجتماعی، میزان تحصیلات، میزان تعاملات و رسانه‌های جمعی می‌پردازد. این پژوهش با تعداد نمونه ۲۵۰ نفر در شهر بوشهر انجام گرفته، شیوه نمونه‌گیری از روش خوشه‌ای و تصادفی منظم است و نتایج پژوهش مبین این است که شاخص عام‌گرایی بیش‌تر از شاخص‌های دیگر قادر است تا وفاق اجتماعی را نشان دهد.

بیدل و محمدزاده (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان تعلق اجتماعی مردم به جامعه ایران و رابطه‌ی آن با اعتماد اجتماعی و فردگرایی مطالعه موردی شهر مشهد» به بررسی میزان تعلق اجتماعی مردم به جامعه ایران و رابطه آن با اعتماد اجتماعی و فردگرایی می‌پردازد تحقیق از نوع پیمایشی بوده و اطلاعات از طریق پرسشنامه در بین ۳۸۴ نفر افراد ۲۰ سال به بالا جمع‌آوری شده است نتایج تحقیق نشان می‌دهد میزان تعلق اجتماعی مردم مشهد به جامعه ایران در سطح متوسط بوده است، با افزایش سن تعلق اجتماعی نیز افزایش یافته است و متغیر اعتماد اجتماعی و سپس فردگرایی افراطی بیشترین تأثیر را بر تعلق اجتماعی افراد دارند.

روش

روش مورد استفاده در این پژوهش، به‌منظور چندبعدی و همه‌جانبه دیدن موضوع تحقیق تلفیقی از روش کمی و کیفی است که در روش تحقیق کمی از روش پژوهش پیمایشی و از نوع توصیفی و تبیینی و در روش تحقیق کیفی با ابزار مصاحبه و در بخش‌های نظری تحقیق از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و روش طراحی و تدوین الگوی مطلوب استفاده شده است. بر اساس هدف، روش تحقیق این پژوهش از نوع کاربردی می‌باشد که با استفاده از یافته‌های تحقیقات بنیادی درصدد حل مشکلات گوناگون بر می‌آید. در این تحقیق از روش کمی (پیمایش) و روش کیفی (مصاحبه) و روش طراحی و تدوین الگوی مطلوب استفاده می‌شود. برای این منظور ابتدا برای جمع‌آوری مطالب و مباحث مربوط به موضوع مورد مطالعه از طریق روش اسنادی به بررسی منابع مربوط پرداخته شد و مطالب مربوط به آن با هدف

به‌کارگیری مناسب در امر تحقیق، مورد توصیف، تبیین و تفسیر قرار گرفته سپس در مرحله دوم از روش کمی (پیمایش) از شهروندان برای سنجش رابطه بین متغیر مستقل (فردگرایی) و متغیر وابسته (همبستگی اجتماعی) استفاده می‌شود، در گام بعدی از روش کیفی با ابزار مصاحبه استفاده می‌شود. جامعه آماری این پژوهش شامل شهروندان ۶۵-۱۸ ساله تهران می‌باشد. که تعدادشان بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۵۸۷۶۶۵۹ نفر می‌باشد. در تحقیق حاضر از فرمول حجم نمونه کوکران برای تعیین حجم نمونه استفاده شد:

$$n = \frac{5876659 \cdot 1.96^2 \cdot 0.5 \cdot 0.5}{5876658 \times 0.05^2 + 1.96^2 \cdot 0.5 \cdot 0.5} = 384$$

حداقل حجم مورد نیاز برای پژوهش، مشتمل بر ۳۸۴ نفر از شهروندان ۶۵ - ۱۸ ساله تهرانی می‌باشد که برای اندازه‌گیری دقیق‌تر ۴۰۰ نمونه مد نظر قرار گرفت. در این تحقیق، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای (دواس، ۱۳۷۶: ۷۴) استفاده شده است. در ابتدا مناطق ۲۲ گانه شهر تهران انتخاب شدند سپس برای اینکه بتوان نمونه‌ای معرف‌تر به‌دست آورد، طبق تحقیقات قبلی (سالمان، ۱۳۹۲) بر اساس په‌نه‌بندی شهرداری تهران (www.tehran.ir) مبنی بر په‌نه شمال (مناطق: ۱، ۲، ۳، ۸) په‌نه شرق (مناطق ۴، ۱۳، ۱۴، ۱۵) په‌نه مرکز (مناطق ۶، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲) په‌نه غرب (مناطق ۵، ۹، ۲۱، ۲۲) و په‌نه جنوب (مناطق ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰) از میان په‌نه‌های ۵ گانه مناطق (۱، ۴، ۵، ۶، ۲۱) انتخاب شدند سپس در میان مناطق با توجه به حجم نمونه که ۴۰۰ نفر بود در هر منطقه تعداد ۸۰ پرسشنامه با روش تصادفی پر شد در روش کیفی بر خلاف روش کمی که نمونه آماری به‌طور تصادفی از جامعه آماری انتخاب می‌شود، نمونه تحقیق هدفمند است و بر اساس اهداف تحقیق گزینش می‌شود. به این ترتیب به تعداد مورد نیاز از افراد مورد مطالعه برای مصاحبه ۵ نفر از هر منطقه انتخاب شدند.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی؛ قبل از اجرای پرسشنامه بر روی نمونه اصلی، تعداد ۳۰ پرسشنامه به‌صورت تصادفی توزیع گردید. جدول شماره (۱) خروجی حاصل از ضریب آلفای کرونباخ به‌عنوان شاخصی جهت تعیین پایایی متغیرهای مورد بررسی را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱): ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

ضریب آلفا	متغیر
۰/۷۹۲	فردگرایی افراطی
۰/۷۲۰	همبستگی اجتماعی

با توجه به اینکه آلفای بدست آمده بیش‌تر از ۰/۷ است لذا؛ نتایج حاصل نشان‌دهنده این مطلب است پرسشنامه تحقیق از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

تبیین میزان رابطه فردگرایی افراطی با همبستگی اجتماعی در شهروندان تهرانی

- فردگرایی افراطی با استفاده از چهار گویه مورد سنجش واقع شد. جدول شماره (۲) به ارائه آماره‌های توصیفی گویه‌های مذکور بر حسب فراوانی، درصد معتبر و میانگین پرداخته است.
- گویه‌های این پرسشنامه به صورت ذیل می‌باشد:
- ۱- در بیش‌تر کارها اول باید به دنبال کسب سود و منفعت خودم باشم تا به جایی برسم.
 - ۲- اگر زمانی منفعت خانواده‌ام با مصلحت جامعه برخورد کند منفعت خود و خانواده‌ام را ترجیح می‌دهم.
 - ۳- در دنیای امروز تنها راه موفقیت آدم در زندگی کنار زدن رقبا و حریفان است.
 - ۴- احساس می‌کنم در شرایط کنونی باید بیشتر به فکر حل مشکلات خودم باشم و به من ارتباطی ندارد که نگران عموم باشم و نسبت به همه احساس وظیفه کنم.

جدول شماره (۲): توزیع پراکندگی پاسخها بر حسب متغیر فردگرایی افراطی

گویه	کاملاً مخالف		مخالف		نه موافقانه مخالف		موافق		کاملاً موافق		کل	میانگین
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
۱	۷۰	۱۷/۵	۱۲۴	۰/۳۱	۱۴۱	۲/۳۵	۵۷	۲/۱۴	۸	۰/۲	۴۰۰	۱۰۰/۰
۲	۶۶	۱۶/۵	۱۲۲	۳۰/۵	۱۰۳	۸/۲۵	۸۲	۲۰/۵	۲۷	۶/۸	۴۰۰	۱۰۰/۰
۳	۳۳	۸/۲	۱۷۴	۴۳/۵	۹۳	۲۳/۳	۸۳	۲۰/۸	۱۷	۴/۲	۴۰۰	۱۰۰/۰
۴	۵۲	۱۳/۰	۸۰	۲۰/۰	۸۴	۲۱/۰	۱۲۵	۳۱/۲	۵۹	۱۴/۸	۴۰۰	۱۰۰/۰

بررسی آماره‌های موجود در جدول فوق نشان می‌دهد که بیشترین شدت پاسخها به گویه شماره چهار «احساس می‌کنم در شرایط کنونی باید بیشتر به فکر حل مشکلات خودم باشم و به من ارتباطی ندارد که نگران عموم باشم و نسبت به همه احساس وظیفه کنم.» با میانگین ۳/۱۴ از ۵ و کمترین شدت میانگین به گویه شماره یک «در بیشتر کارها اول باید به دنبال کسب سود و منفعت خودم باشم تا به جایی برسم.» ۲/۲۵ از ۵ تعلق دارد. در جهت توصیف دقیق‌تر میزان فردگرایی افراطی در پاسخگویان مورد بررسی گویه‌ها با هم ترکیب شدند و کدگذاری شدند.

جدول شماره (۳): شاخص‌های توصیفی میزان فردگرایی افراطی

متغیر	میانگین	میانه	نما	حداقل	حداکثر	دامنه تغییرات
فردگرایی افراطی	۱۲/۹۳	۱۳	۱۳	۶	۲۰	۱۴

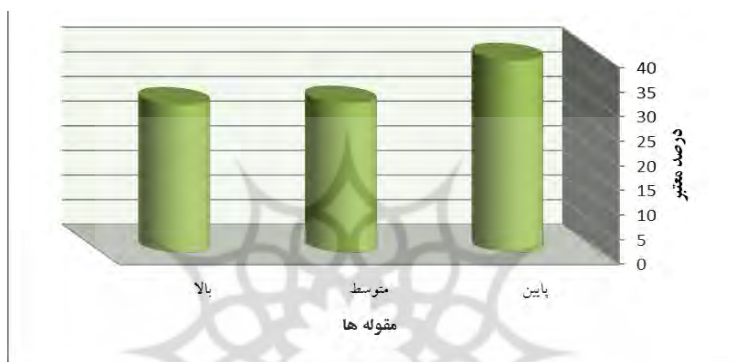
فردگرایی افراطی دارای نمره حداقل ۶ و نمره حداکثر ۲۰ می‌باشد. بر این اساس دارای دامنه تغییرات ۱۴ است. میانگین توزیع فوق ۱۲/۹۳ از ۱۶ می‌باشد. میانه و نمای توزیع فوق بر روی عدد ۱۳ قرار گرفته است. با توجه به یکی بودن سه آماره میانگین، نما و میانه می‌توان گفت توزیع بعد فردگرایی افراطی از توزیع نرمال برخوردار است. به منظور توصیف دقیق‌تر متغیر مذکور، به دسته‌بندی مجدد هر بعد بر حسب سه گزینه پایین، متوسط و بالا پرداخته شده است.

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال هجدهم، شماره هفتم، پاییز ۱۴۰۰

جدول شماره (۴): توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان بر حسب میزان فردگرایی افراطی

فردگرایی افراطی	فراوانی	درصد
پایین	۱۵۷	۳۹/۲
متوسط	۱۲۲	۳۰/۵
بالا	۱۲۱	۳۰/۲
کل	۴۰۰	۱۰۰/۰

مطابق اطلاعات موجود در جدول شماره ۴، ۳۹/۲ درصد پاسخ‌گویان معادل (۱۵۷ نفر) سطح فردگرایی افراطی خود را در سطح پایین ارزیابی کرده‌اند، در این بین ۳۰/۵ درصد (معادل ۱۲۲ نفر) در سطح متوسط و ۳۰/۲ درصد (معادل ۱۲۱ نفر) در سطح بالا ارزیابی کرده‌اند.

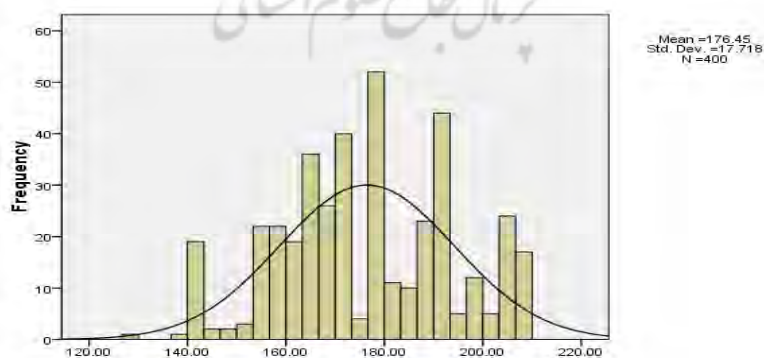


نمودار شماره (۱): توزیع پراکندگی پاسخ‌گویان بر حسب فردگرایی افراطی

جدول شماره (۵): خروجی آزمون اسمیرنف - کولموگروف تک نمونه متغیر (همبستگی اجتماعی)

متغیر	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
همبستگی اجتماعی	۰/۰۶۳	۴۰۰	۰/۰۰۱

با توجه به اینکه سطح معنی‌داری بدست آمده ۰/۰۰۱ کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد لذا توزیع متغیر وابسته دارای فرض نرمال بودن نمی‌باشد و دارای توزیع غیرنرمال است. لذا در جهت سنجش روابط بین متغیرهای تحقیق بر حسب سطح سنجش متغیرها، از آزمون‌های ناپارامتریک طبق نرمال نبودن سطح سنجش متغیر وابسته استفاده شده است.



نمودار شماره (۲): توزیع گرافیکی متغیر همبستگی اجتماعی

تبیین میزان رابطه فردگرایی افراطی با همبستگی اجتماعی در شهروندان تهرانی

یافته‌های استنباطی؛ به نظر می‌رسد فردگرایی افراطی بر میزان همبستگی اجتماعی شهروندان تأثیر دارد.

در جهت سنجش نحوه‌ی اثرگذاری متغیر مستقل (فردگرایی افراطی) بر متغیر وابسته (همبستگی اجتماعی) از آزمون رگرسیون دو متغیره استفاده شده است (نگاه کنید به جدول شماره ۶).

جدول شماره (۶): آزمون رگرسیون دو متغیره فردگرایی افراطی و همبستگی اجتماعی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار r پیرسون	مقدار r square	ضریب تعیین تعدیل شده	مقدار F	سطح معنی داری
فردگرایی افراطی	همبستگی اجتماعی	۰/۱۴۶	۰/۰۲۱	۰/۰۱۹	۸/۷۰۱	۰/۰۰۳
** معنی داری در سطح ۰/۰۱ * معنی داری در سطح ۰/۰۵						

خروجی به دست آمده از آزمون آماری نشان می‌دهد که بین دو متغیر فردگرایی افراطی و همبستگی اجتماعی همبستگی نسبتاً ضعیفی وجود دارد. جهت رابطه منفی و معکوس است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که متغیر مستقل فردگرایی افراطی قادر به تبیین ۱/۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته همبستگی اجتماعی است. با توجه به سطح معنی داری آزمون F (۸/۷۰۱) که در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ قرار دارد می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی دو متغیره، مدل خوبی بوده است و متغیر مستقل قادر به تبیین تغییرات متغیر وابسته همبستگی اجتماعی است. لذا فرضیه شماره دو پژوهش حاضر مورد تأیید قرار گرفته و فرض خلاف آن رد می‌گردد. در ادامه به بررسی نحوه ارتباط متغیر مستقل با متغیر وابسته و ابعاد آن پرداخته شده است.

جدول شماره (۷): ماتریس همبستگی فردگرایی افراطی با همبستگی اجتماعی و ابعاد آن

متغیرها	همبستگی اجتماعی	تعاملات، ارتباطات و پیوندهای ملی	ولاف و اجتناب در ارزشها	تعهد و احساس مسئولیت	هویت فرهنگی مشترک	بهرت‌فرهنگی مشترک	بهرت‌فرهنگی مشترک	بهرت‌فرهنگی مشترک	بهرت‌فرهنگی مشترک	بهرت‌فرهنگی مشترک	بهرت‌فرهنگی مشترک	بهرت‌فرهنگی مشترک
فردگرایی افراطی	r	۰/۱۴۶	۰/۰۰۶	۰/۳۲۳	۰/۰۳۲	۰/۰۵۳	۰/۰۷۳	۰/۰۸۳	۰/۳۲۸	۰/۰۷۸	۰/۱۲۱	۰/۰۰۳
نتیجه	sig	۰/۰۰۳	۰/۹۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۸۶	۰/۱۴۶	۰/۰۹۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	تأیید	**	*	**	**	*	*	*	**	**	**	**
	رد											*

بر اساس آماره‌های موجود، نتایج نشان داد که بین فردگرایی افراطی با همبستگی اجتماعی ($P < 0/01$)، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. جهت ارتباط منفی و معکوس است. بدین ترتیب که با افزایش میزان فردگرایی افراطی در بین پاسخگویان مورد بررسی از میزان همبستگی اجتماعی آن‌ها کاسته می‌شود. با توجه به اینکه سطح معنی داری به دست آمده در سطحی پایین‌تر از ۰/۰۱ قرار دارد لذا با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که رابطه‌ی به دست آمده از نظر آماری معنی دار است. بدین ترتیب فرضیه پژوهش حاضر مورد پذیرش قرار گرفته و فرض خلاف آن رد می‌گردد.

بررسی ارتباط فردگرایی افراطی با ابعاد نه‌گانه‌ی همبستگی اجتماعی نشان می‌دهد که فردگرایی افراطی با ابعاد وفاق و اجتماع در ارزش‌ها (همبستگی پیرسون = $0/311$ ، سطح معنی‌داری = $0/008$)، تعهد و احساس مسئولیت (همبستگی پیرسون = $0/323$ ، سطح معنی‌داری = $0/008$)، رفتار تعاونی و همکاری (همبستگی پیرسون = $0/328$ ، سطح معنی‌داری = $0/008$) دارای ارتباط معنی‌دار است. بررسی جهت همبستگی نشان می‌دهد که بین فردگرایی افراطی و وفاق و اجتماع در ارزش‌ها همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد درحالی‌که بین فردگرایی افراطی با دو بعد تعهد و احساس مسئولیت و رفتار تعاونی و همکاری ارتباط منفی و معکوس برقرار است. همچنین رابطه‌ی بین فردگرایی افراطی و سایر ابعاد همبستگی اجتماعی (تعاملات، ارتباطات و پیوندهای ملی، هویت فرهنگ مشترک، آیین‌ها، نمادها و مناسک مشترک، اعتماد اجتماعی، سودمندی و انتظار حمایت از سوی جامعه، رفتار تعاونی و همکاری، احساس کنترل و نظارت از سوی گروه بر فرد) با توجه به اینکه سطوح معنی‌داری این ابعاد، بزرگتر از $0/05$ است، از نظر آماری معنی‌دار نمی‌باشد.

جدول شماره (۸): بررسی تأثیر همزمان متغیر مستقل (فردگرایی) بر ابعاد متغیر وابسته

متغیرها	ضریب تأثیر غیر استاندارد B	ضریب تأثیر استاندارد Beta	مقدار T	سطح معنی‌داری
تعاملات، ارتباطات و پیوندهای ملی	۰/۱۱۲	۰/۱۰۶	۲/۱۷۲	۰/۱۲۳
وفاق و اجتماع در ارزش‌ها	۰/۳۰۸	۰/۲۳۹	۵/۰۹۶	۰/۰۰۰
تعهد و احساس مسئولیت	-۰/۳۰۵	-۰/۲۶۹	-۵/۴۳۵	۰/۰۰۰
هویت فرهنگی مشترک	۰/۱۳۱	۰/۱۱۶	۲/۴۱۲	۰/۰۱۶
آیین‌ها و نمادها و مناسک مشترک	-۰/۰۶۸	-۰/۰۶۰	-۱/۷۱۵	۰/۰۸۷
اعتماد اجتماعی	۰/۱۴۱	۰/۱۰۵	۲/۳۰۲	۰/۰۲۲
سودمندی و انتظار حمایت از سوی جامعه	-۰/۰۵۹	-۰/۰۸۱	-۱/۵۲۸	۰/۱۲۷
رفتار تعاونی و همکاری و ایثارگری	-۱/۱۹۳	-۰/۲۳۲	-۵/۴۰۳	۰/۰۰۰
احساس کنترل و نظارت از سوی گروه بر فرد	-۰/۰۵۸	-۰/۰۸۰	-۱/۵۰۳	۰/۱۳۴
همبستگی اجتماعی	۱۳/۱۴۹	-	۶/۳۱۶	۰/۰۳۰

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به شرایط جامعه‌ی ایرانی و وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران طی سده‌های اخیر، جامعه‌ی ایرانی درگیر مسائل خاص فرهنگی و اجتماعی شده است. اساساً فردگرایی به‌عنوان یکی از مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ی ایران مورد توجه برخی از محققان است، به‌صورت کلی احساس تعلق فرد به کلیت جامعه و تعهد نسبت به سرنوشت جمعی، عامل مهمی در حفظ انسجام ملی و اعتلای یک کشور است. در جامعه‌ای که تک‌تک افراد به جامعه احساس پیوستگی داشته و خود را در قبال سرنوشت هم مسئول می‌دانند ضمن آنکه جامعه‌ای شادتر، پرنرزی‌تر و اخلاق‌گراتر خواهیم داشت و رشد و پیشرفت همه‌جانبه آن با شتاب بیشتری رخ می‌دهد.

بروز فردگرایی در برخی جوامع می‌تواند شکلی از آسیب اجتماعی باشد چرا که در جامعه سنتی که تکیه بر مصالح جمعی است و فرد در خدمت تأمین کارکردهای جمعی قرار دارد با تغییر ارزش‌های جمعی به سمت فردگرایی، جامعه دچار تضاد ارزشی می‌شود. با توجه به مطالب بیان شده در تحقیق حاضر

تبیین میزان رابطه فردگرایی افراطی با همبستگی اجتماعی در شهروندان تهرانی

بررسی ارتباط فردگرایی افراطی با ابعاد نه‌گانه‌ی همبستگی اجتماعی نشان می‌دهد که فردگرایی افراطی با ابعاد وفاق و اجتماع در ارزش‌ها (همبستگی پیرسون= $0/311$ ، سطح معنی‌داری= $0/008$)، تعهد و احساس مسئولیت (همبستگی پیرسون= $0/323$ ، سطح معنی‌داری= $0/008$)، رفتار تعاونی و همکاری (همبستگی پیرسون= $0/328$ ، سطح معنی‌داری= $0/008$) دارای ارتباط معنی‌دار است. بررسی جهت همبستگی نشان می‌دهد که بین فردگرایی افراطی و وفاق و اجتماع در ارزش‌ها همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد در حالیکه بین فردگرایی افراطی با دو بعد تعهد و احساس مسئولیت و رفتار تعاونی و همکاری ارتباط منفی و معکوس برقرار است. همچنین رابطه‌ی بین فردگرایی افراطی و سایر ابعاد همبستگی اجتماعی (تعاملات، ارتباطات و پیوندهای ملی، هویت فرهنگ مشترک، آیین‌ها، نمادها و مناسک مشترک، اعتماد اجتماعی، سودمندی و انتظار حمایت از سوی جامعه، رفتار تعاونی و همکاری، احساس کنترل و نظارت از سوی گروه بر فرد) با توجه به اینکه سطوح معنی‌داری این ابعاد، بزرگتر از $0/05$ است، از نظر آماری معنی‌دار نمی‌باشد.

در جهت سنجش نحوه‌ی اثرگذاری متغیر مستقل (فردگرایی افراطی) بر متغیر وابسته (همبستگی اجتماعی) از آزمون رگرسیون دومتغیره استفاده شده است خروجی به‌دست آمده از آزمون آماری نشان می‌دهد که بین دو متغیر فردگرایی افراطی و همبستگی اجتماعی همبستگی نسبتاً ضعیفی وجود دارد و جهت رابطه نیز منفی و معکوس است. مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده نشان می‌دهد که متغیر مستقل فردگرایی افراطی قادر به تبیین $1/9$ درصد از تغییرات متغیر وابسته همبستگی اجتماعی است، نتایج فرضیه پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین فردگرایی افراطی و همبستگی اجتماعی با پژوهش بیدل و دیگران (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی میزان تعلق اجتماعی مردم به جامعه ایران و رابطه آن با اعتماد اجتماعی و فردگرایی» همخوانی دارد و با نظریه دورکیم مبنی بر عوامل مؤثر بر همبستگی اجتماعی همسو می‌باشد.

با توجه به ارتباط بین فردگرایی و همبستگی اجتماعی پیشنهاد می‌شود استقلال فردی، خودآزمایی، احترام به خود، خودشکوفایی و خودباوری جایگزین خودمداری و کسب سود شخصی به قیمت متضرر شدن دیگران شود، یعنی در کنار توجه به قابلیت‌ها و استعدادهای افراد، آن‌ها را در جهت استفاده از این توانایی‌ها، برای منافع و مصالح عمومی آموزش داد. نباید گذاشت که فردیت‌طلبی، به لایه‌های عمقی جامعه یعنی سطح ارزش‌ها نفوذ کند و باید آن را در لایه‌های سطحی برطرف کرد. فردگرایی نیز از دیگر عوامل مؤثر بر همبستگی اجتماعی بوده است. گفته شد که رشد فردگرایی در جامعه موجب کاهش تعلق اجتماعی شده است. فردگرایی یعنی اینکه نفع فردی در مقابل نفع جمعی قرار گیرد. برای اینکه این دو به‌جای اینکه مقابل هم باشند، در جهت هم قرار داشته باشند، باید دست کم نیازهای ابتدایی فرد برآورده شود که فرد برای رسیدن به اهداف اولیه خود، ارزش‌های جمع‌گرایانه را زیر پا نگذارد. البته کاهش نابرابری و از بین بردن احساس تبعیض در افراد، نقش عمده‌ای در این روند خواهند داشت. گفته می‌شود

در شرایط بحرانی مثل جنگ، ممکن است افراد صحنه را خالی کنند، به همین دلیل باید تلفیق جمع‌گرایی نسبت به اجتماع ملی با فردگرایی مثبت و اخلاقی در همه ابعاد جامعه مد نظر قرار گیرد. یعنی استقلال فردی، خودآثربخشی، احترام به خود، خودشکوفایی و خودباوری جایگزین خودمداری و کسب سود شخصی به قیمت متضرر شدن دیگران شود؛ یعنی در کنار توجه به قابلیت‌ها و استعداد‌های افراد، آن‌ها را در جهت استفاده از این توانایی‌ها، برای منافع و مصالح عمومی آموزش داد. نباید گذاشت که فردیت‌طلبی، به لایه‌های عمقی جامعه یعنی سطح ارزش‌ها نفوذ کند و باید آن را در لایه‌های سطحی برطرف کرد.

منابع

- اجتهادی، مصطفی. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳، صص ۱-۱۲.
- امیرکافی، مهدی. (۱۳۸۰). اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، نمایه پژوهشی، شماره ۱۸، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۲). وفاق اجتماعی، فصلنامه علوم اجتماعی، جلد ۲، شماره ۳: ۲۸.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
- دواس، دی. ای. (۱۳۸۳). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه‌ی هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۱). تقسیم کار اجتماعی، ترجمه‌ی باقر پرهام، تهران: مرکز.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۳). صور بنیانی حیات دینی، ترجمه‌ی باقر پرهام، تهران: مرکز.
- دورکیم، ایمیل. (۱۳۷۳). قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی باقر پرهام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضادوست، کریم؛ حسین‌زاده، علی حسین؛ کهنسال، احسان. (۱۳۹۴). عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر وفاق اجتماعی شهر دهدشت، فصلنامه مطالعات ملی، سال شانزدهم.
- عبداله‌زاده، نازیلا؛ تقوی، نعمت‌الله؛ علیزاده اقدم، محمدباقر. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، مطالعات جامعه‌شناسی، سال دوم، شماره ششم، صص ۸۷-۱۰۶، بهار.
- قادری، طاهره؛ القونه، زهرا. (۱۳۹۶). بررسی فردگرایی خودخواهانه و عوامل مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه شیراز (با تأکید بر طبقه آن‌ها)، فصلنامه علوم اجتماعی، سال ۲۶، شماره ۷۹، صص ۱-۳۱، زمستان.
- قاسمی، روح‌الله. (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر بر وفاق اجتماعی در بوشهر، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی به راهنمایی محمد عبداللهی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- کرایب، یان. (۱۳۸۲). نظریه اجتماعی کلاسیک ترجمه‌ی شهناز مسمی‌پرست، تهران، نشر آگه.

تبیین میزان رابطه فردگرایی افراطی با همبستگی اجتماعی در شهروندان تهرانی

- کوثری، مسعود. (۱۳۸۰). علل مؤثر بر آنومی سیاسی در شهروندان تهرانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- گلابی، فاطمه؛ اخشی، نازیلا. (۱۳۹۴). مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و ششم، شماره پیاپی (۵۹)، شماره سوم، صص ۱۳۹-۱۶۰، پاییز.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۰). پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۲). کشاکش آراء در جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
- معیدفر، سعید؛ صبوری خسروشاهی، حبیب. (۱۳۸۹). بررسی میزان فردگرایی فرزندان در خانواده، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی گرمسار، سال چهارم، شماره ۴.
- موریش، ایور. (۱۳۷۳). درآمدی به جامعه‌شناسی تعلیم‌وتربیت، ترجمه‌ی غلامعلی سرمد، تهران: نشر دانشگاهی.
- وبر، ماکس. (۱۳۷۴). اقتصاد و جامعه، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: مولی.
- یارمحمد توسکی، مریم. (۱۳۹۴). بررسی وضعیت همبستگی اجتماعی در توسعه شهری اراک، فصلنامه مطالعات ملی، سال شانزدهم.
- Adil Mahmud, Hossain Jahan. (2013). Social cohesion in multicultural society: A case of Bangladeshi immigrants in Stockholm, Department of Human Geography, Stockholm University.
- Gianni D, Amato, Didier Ruedin. (2011). "Social Cohesion Challenges in Europe Swiss Forum of Migration and Population Studies, University of Neuchâtel.
- Gordon Sammut. (2011). Civic Solidarity: the negotiation of identity in modern Societies. Papers on Social Representations, Volume 20, pages 4.14.24.
- Green Andy, Germ Janmaat and Helen Cheng. (2011). Social Cohesion: Converging and Diverging Trends, National Institute Economic Review No. 215 Januar.
- Kamitanji Kabuya. (2008). "Social integration of Congolese refugees in a town in Southern Norway". Master's Degree Programme in Peace and Conflict Transformation Faculty of Social Sciences.
- Komatsu. Taro. (2012). Decentralized School Governance and Social Cohesion in a Post-Conflict Society: School Leaders' Participatory Democratic Accountability in Bosnia and Herzegovina. The Graduate School of the University of Minnesota.
- Monique Borsen Berger. (2011). "A multidimensional assessment of social cohesion in 47 European countries, NTTS", conference taking place 22- 24 February in Brussels.
- Nedra R. Peter. (2013). "The Impact of Social Integration on The Lived Experience of Resilience among Women who lived in Poverty during Childhood". Electronic Thesis and Dissertation Repository. The University of Western Ontario.

- Paskov, M. and Dewilde, C. (2012). "Incoming inequality and solidarity in Europe", Research in social Stratification and mobility.
- Paul dikes, Marie valentova, Monique borsen Berger. (2011). "A multidimensional assessment of social cohesion in 47 european countries, NTTTS", conference taking place February in Brussels.
- Ritzer, George. (2011). Sociological Theory. Eighth Edition New York: McGraw Hil.
- Vergolini, Loris. (2011). Social cohesion in Europe: How do the different dimensions of inequality affect social cohesion? , International Journal of Comparative Sociology.
- Zahid pervaiz. AR Chaudhary. Irene van Staveren. (2013). Diversity, Inclusiveness and Social Cohesion. Indices of social development.

